

به نقل از: پیام فدایی، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران شماره ۲۹۰، مهر ۱۴۰۲

## درباره مفهوم شعار "نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال!" (پاسخ به یک سوال)

**توضیح پیام فدایی: در تاریخ یکشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۲، در ارتباط با شرایط جاری در ایران جلسه ای در اتاق چریکهای فدایی خلق ایران (بذرهای ماندگار) در کلاب هاوس برگزار شد و رفیق فریبرز سنجری در سخنرانی ای تحت عنوان "خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و درس های ماندگار آن" مواضع چریکهای فدایی خلق ایران در قبال این جنبش و درس های آن برای آینده را مطرح کرد. در بخش بعدی رفیق سخنران به پرسش های طرح شده توسط حاضرین درباره این جنبش و برخی دیگر از مواضع چریکهای فدایی خلق ایران پاسخ داد. آنچه در زیر می آید پاسخ به یکی از این سوالات در مورد معنای شعار "نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال" در شرایط ایران می باشد.**

**فریبرز سنجری:** در طرح بحثی هم که در ابتدا ارائه دادم گفتم که مایلیم که روی این مساله صحبت کنم که چریکهای فدایی خلق که امپریالیست ها رو دشمن اصلی مردم ایران می نامند\_ معنای استقلال در شعار مورد تاکید آنها یعنی "نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال" چیه. اون موقع به خاطر اینکه از طولانی شدن بحث جلوگیری بشه این کار را نکردم اما حالا در این فرصت که به جمع بندی این بحث داریم می رسیم خوبه به این اشاره کنم چون به خصوص جلوه هائیش هم در این اتاق دیدیم.

به خصوص که می بینم همچون شرایط بعد از قیام بهمن که آشفتگی بزرگی در بین سازمان های سیاسی شکل گرفت و بیشتر نیروهای سیاسی دچار این توهم شدن که سلطه امپریالیسم با سقوط رژیم شاه از ایران بر افتاده، امروز هم بیشتر نیروهای سیاسی هویت مستقلی برای جمهوری اسلامی قائل هستند. همین جا یاد آوری کنم که در دوره شاه کسی در سرسپردگی رژیم شاه به امپریالیست ها و به خصوص به آمریکا شکی نداشت و این یک واقعیت پذیرفته شده بود که در سطح جنبش انقلابی همه به اون باور داشتند؛ درست بر عکس امروز که تبلیغات ریاکارانه که سردمداران جمهوری اسلامی با شعارهای ضد امپریالیستی و عربده های ضد آمریکائی گاهی وقت ها اشاعه می دهند و تحریم های غرب رو هم چاشنیش می کنند، این ها را نشانه ای از تضاد جمهوری اسلامی با امپریالیست ها و استقلال رژیم جا می زنند. در حالیکه همین خیزش ۱۴۰۱ برای کسانی که اسیر تبلیغات دروغین نمی شوند و یا حتی برای اون کسانی هم که برای سرنگونی رژیم به قدرت های امپریالیستی دل بسته بودند، نشون داد که امپریالیست ها چنان منافع عظیمی در ایران و وجود جمهوری اسلامی دارن که تا می توانند سعی می کنند این رژیم را سر پا نگهدارند واقعیتی که می شه آنرا یکی از دستاوردهای مهم و با ارزش خیزش اخیر هم به حساب آورد. چرا که این خیزش همین واقعیت را نشان داد که آن قدرت هائی که "زن زندگی آزادی" می گفتند و وزرای خارجه شون گیس می بریدند، بیشترین کمک را به این رژیم کردند. و یا اون هائی که در کاخ الیزه مثلا مخالفین جمهوری اسلامی را می دیدند همان روزها با رئیسی هم تلفنی حرف می زدند. این چیزهائی که رو شد و کمک کرد به درک مردم ما از برخوردهای قدرت های بزرگ یا امپریالیست ها با رژیم.

در همین یک سال اخیر که مردم ما علیه جمهوری اسلامی بپاخاستند و خواهان نابودیش هم بودند همه شاهد بودیم که چگونه آمریکائی ها به این رژیم اجازه دادند که روزی بیش از یک میلیون بشکه نفت صادر کند و یا میلیاردها دلار از ذخایر ارزی اش را برایش قابل دسترس کردن. اینها کارهائی نیست که آمریکائی ها برای رژیمی که مخالفشونه و قصد براندازی و یا رژیم پنج اش را دارند انجام بدهند. همه فاکت ها نشان می دهد که امداد های غیبی امپریالیست ها یار و حامی همیشگی جمهوری اسلامی بوده و هنوز هم هست. آمریکائی ها و اروپائی ها به جز در این مورد نفتی که گفتم حالا یک مورد دیگه از کارهاشون را بگم، اخیرا رو شد که این آلمانی ها چند هزار دروبین به جمهوری اسلامی دادند\_ که یک جا خواندم ۸۰۰۰ عدد اما دقیقشو نمی دانم چقدره\_ که این دروبین ها قراره به اسم کنترل ترافیک و اینها زنائی که حجاب اسلامی را رعایت نمی کنند رو شناسائی و چهره آنها رو در اختیار نیروهای سرکوب قرار بده. باید واقعا ساده بود که همه این واقعیت ها را نادیده گرفت و تبلیغات دروغین جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیستش را باور کرد و یا در تحلیل بر آنها تکیه کرد.

از طرف دیگه همانطور که سیاست های اقتصادی داخلی جمهوری اسلامی تماما در خط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول پیش می ره، دو نهاد سرمایه داری انحصاری جهانی (اسم امپریالیسم را هم نمی برم که برخی ها ناراحت نشوند) که دولت آمریکا تو این نهادها حرف آخر رو می زنه و هر جا رهنمودهاشون اجرا شده باعث گسترش فقر و فلاکت مردم و شورش گرسنگان شده. رهنمودهائی که به حساب پولدار شدن هر چه بیشتر یک مشت انگل و تامین منافع انحصارات امپریالیستی داده میشه و مردم را به خاک سیاه می نشونه تا یک عده انگل پول دار بشوند. سیاست خارجی رژیم هم درست در جهت تامین همین منافع امپریالیست هاست که در سیاست داخلی داره پیش می بره. علی الاصول در بین چپ ها \_حالا اگر این اصطلاح درست باشه\_ و یا

کمونیست ها معتقدند که سیاست خارجی باید انعکاسی از سیاست داخلی باشد. اما بررسی واقعیت ها روشن می کند که سیاست داخلی این رژیم به دلیل وابستگی اش، درست ادامه سیاست خارجی امپریالیست ها ست و فاقد هر گونه جنبه ملیه. تنها نگاهی به پروژه ضد ملی اتمی این رژیم نشان می دهد که چگونه جمهوری اسلامی میلیاردها دلار از بودجه کشور را صرف پروژه ای کرده که هیچ دستاوردی برای اقتصاد کشور نداشته و بر عکس باعث بحران هائی شده که نتیجه اصلی اش گسترش فقر و فلاکت مردم بوده. و به بهانه این پروژه هم امپریالیست ها به خصوص آمریکا کلی حضورشان را در منطقه تقویت کردن و کلی سلاح با دستاویز مقابله با خطر جمهوری اسلامی در اختیار کشورهای منطقه گذاشتند و میلیاردها دلار سود کردن در حالیکه با بخش کوچکی از آن بودجه ای که صرف این پروژه شد می شد از طریق سرمایه گذاری در انرژی خورشیدی کلی برق وارد شبکه سراسری برق کرد، که بعد مجبور نشن به خاطر کمبود برق کل کشور را تعطیل کنند.

با بررسی همین فاکت هاست که باید تاکید کرد که سیاست های جمهوری اسلامی در منطقه دقیقا نشان دهنده تلاش این رژیم در پیشبرد سیاست های امپریالیست ها می باشد. برای نمونه به دخالت نظامی اش مثلا در سوریه نگاه کنیم. جدا از تلفات نیروی انسانی که رژیم کلا درباره اش سکوت می کند جمهوری اسلامی حداقل چیزی حدود ۵۰ میلیارد دلار در سوریه خرج کرده \_این عددی است که خودشان در دعوای داخلی شون می گویند\_ که فعلا یک دلارش هم برنگشته و صدای اعتراض عده ای از طرفداران خود رژیم را هم در آورده. امری که نشان می ده که آنچه باعث دخالت جمهوری اسلامی در سوریه شده نه کسب بازار برای بورژوازی ایران بلکه عمل به ماموریتی ست که اربابش و یا اربابانش بر عهده وی گذاشته اند. بر کسی پوشیده نیست که هیچ کس محض رضای خدا جنگ نمی کند، بالاخره این جنگ باید منافی را تامین کند اما می بینیم که برای ایران منفعتی ندارد جز نشانی از سرسپرگی جمهوری اسلامی به امپریالیست ها و کلان این سیاست به نفع آمریکا و بقیه امپریالیست ها هم می باشد. من چند روز پیش بود که یک خبری را می خواندم مایلم اینجا بگم، یکی از این مقامات دولت روسیه اعلام کرد که \_در این فضاهای مجازی دیدم\_ که اگر پروژه اتمی جمهوری اسلامی نبود خیلی از صنایع اتمی روسیه تا حالا مجبور بودند بخوابند (تعطیل شوند) و از کار بیفتند و کلی به ما ضرر می زد ولی این پروژه همه این صنایع را زنده کرد و اون ها توانستند روی پاشون وایسند.

یک نکته دیگه هم بگم گاهی وقت ها شنیده می شود که جمهوری اسلامی به پاس شرکت در این جنگ سهمی در بازار سوریه نصیبش شده و این به نفع بورژوازی ایران. اما این استدلال بینهایت مضحک و غیر واقعیه. چون اولاً بورژوازی ایران از تامین بازار خود کشور \_یعنی بازار کشور بزرگی مثل ایران\_ عاجزه چه برسد به اینکه بخواهد بازارهای کشورهای دیگه و از سوی دیگه همین سوریه که برخی فکر می کنند جمهوری اسلامی برای کسب بازار به آنجا رفته را تامین کنه و روش سلطه بیندازد. اتفاقا عملا بازاری در اختیار جمهوری اسلامی در سوریه قرار ندادن و سهم ترکیه که اتفاقا داره با سوریه می جنگه در بازار سوریه خیلی بیشتر از ایران. پس نباید فراموش کرد که اگر جمهوری اسلامی یک رژیم مستقل بود به طور طبیعی منافع ملی را بر هر مصلحتی که واقعا وجود داشته باشه ارجح می دانست و نمی آمد همه امکانات یک کشور را بنذاره به میدان جنگی که هیچ سودی برای اون کشور نداره؛ آن هم در شرایطی که خودش امکان سیر کردن شکم مردم ش را ندارد و میلیاردها دلار بودجه این کشور را صرف پیشبرد سیاست های ارباباش کرده.

وقتی ما از استقلال یعنی رهائی ایران از زیر سلطه امپریالیست ها حرف می زنیم به این دلیل که ما جمهوری اسلامی را رژیمی وابسته به امپریالیسم می شناسیم که به طور طبیعی هر انقلابی علیه این رژیم اگر رهبری کارگری و انقلابی و کمونیستی داشته باشه بدون تردید به استقلال ایران می انجامه. اما ما می دونیم که خیلی ها مخالف این نظر هستند و اساسا جمهوری اسلامی رو رژیمی که ما توصیف می کنیم نمی بینن بلکه اون را رژیمی مستقل قلمداد می کنند و یا مضحک تر از آن اینکه اساسا اون رو یک رژیم ضد امپریالیست هم گاهی وقت ها معرفی می کنند. البته این افراد و نیروها نیازی هم به تحقیق و ارائه فاکت و سند ندارند. چون اساس تحلیل خودشان را بر تبلیغات جمهوری اسلامی استوار کرده اند. یعنی تحلیل اون ها از همان جانی شروع می شه که تبلیغات جمهوری اسلامی تمام شده. اما این تبلیغات دروغ محضه برخی از این نیروها که جمهوری اسلامی رو رژیمی مستقل جلوه می دهند اون رو یک رژیم سرمایه داری هم می شناسند. اما به روی خودشان نمی آورند که پس این سرمایه داری مستقل از امپریالیسم چگونه حیات پیدا کرد و این بورژوازی ملی و ضد امپریالیست از کجا شکل گرفت و متکی بر کدام اقتصاد ملی در ایران هست؟ به هر حال در این بحث در مورد وابستگی رژیم که در یک حدی هم به سوال هائی که در اتاق مطرح شد ربط داره باید ما تاکید کنیم که جمهوری اسلامی تا بن استخوان وابسته به امپریالیست هاست و به همین دلیل هم یکی از اهداف انقلاب بزرگ مردم ما باید همانا قطع سلطه امپریالیسم و کسب استقلال باشه که البته بدون رهبری طبقه کارگر هم دست نیافتنی است.

در مورد این بحثی که در این اتاق ارائه شد و جمع بندی صحبت هائی که شد من با اینکه خسته تان هم کردم زیاد صحبت نمی کنم ولی خیلی خلاصه در سالگرد خیزش ۱۴۰۱ ما چند تا دستاورد این خیزش رو اسم بردیم، بهش اشاره کردیم، که یکیش نقش زنان و واقعا مبارزات دلاورانه اون ها بود و اینکه الان هم جمهوری اسلامی شروع کرده به سرکوب شدید فکر می کنه که خیزش را شکست داده و حالا تهاجم خودش رو شروع کرده "حجاب بان" راه انداخته که این خودش واقعا به اعتراضات جدید تری حتما دامن خواهد زد. یکی دیگه شکل گیری هسته های سیاسی نظامی است. هسته های مبارزاتی که در کل این خیزش شکل گرفت و در همه جا این جوان هائی که در این هسته ها بودند مراکز سرکوب رو به آتش کشیدند. کوکتل مولوتف بخش از فرهنگ خیزش ۱۴۰۱ شد و همه از کوکتل مولوتف صحبت می کردند و اون رو به کار می بردند. حتی در نمونه سبزوار که من روش تاکید کردم از "رگبار کوکتل مولوتف" به یکی از مراکز بسیج اسم برده شد. بحث و تحلیل ما این بود که این هسته ها یکی از مهمترین دستاوردهای جنبش و خیزش ۱۴۰۱ ست و باید حتما مورد توجه و تاکید نیروهای

انقلابی قرار بگیره و از هر طریقی که می‌توانند به اون‌ها کمک کنند و اون‌ها را تقویت کنند و اساسا به باور ما یکی از امیدهای مردم ما همین وجود این هسته‌ها و مبارزات جوان‌هاست که اگر ادامه پیدا کنه و اگر بتوانند خودشون را از زیر سرکوب‌های "سربازان گمنام امام‌رمان" حفظ بکنند شرایط رو برای شکل‌گیری سازمان‌های بزرگتر، گروه‌های بزرگتر، مهیا می‌کنند. یک مورد دیگه هم اشاره کردم\_ که البته من توی این بحث زیاد روش وقت نگذاشتم\_ به آترناتیو امپریالیستی بودن سلطنت که به نظر من برای همه روشنه. سلطنت یک آترناتیو امپریالیستیه چه از دوره رضا شاه و چه در دوره محمد رضا شاه همواره سلطنت پهلوی تنیده بوده با سلطه امپریالیسم. رضا شاه را انگلیسی‌ها روی کار آوردند شاه را هم با کودتای ۲۸ مرداد توسط انگلستان و آمریکا دو باره به قدرت برگرداندند. بنابراین این دو شاه که در سلطنت پهلوی مطرح اند هر دو شون نوکر و سرسپرده بودند. اگر بروید و کتاب تاریخ را بخوانید کتاب هائی که در رابطه با تاریخ سلطنت رضا شاه نوشته شده. می‌بینید که رضا شاه با چه خفت و خواری بهش دستور می‌دهند که از ایران خارج بشه تا پسرش بیاید جایش و یا محمد رضا شاه هم که یکی از رفقا در این اتاق گفت که هویزر چطوری بهش امر و نی کرد که باید برود و او با خواری تمام می‌گفت کجا بروم و کی بروم. به هر حال این اسناد وجود داره حالا البته تبلیغات راه انداخته اند که اصلا این کودتا نبود و کودتای ۲۸ مرداد را می‌خواهند بکنند قیام ملی و سرنگونی مصدق را هم بکنند خواست مردم. اینها مزخرفاتیه که این روزها تبلیغ می‌شه به هر حال ما راجع به سلطنت این حد صحبت کردیم که البته کافی نیست و باید سلطنت و سلطنت طلب‌ها را حتما در ابعادی هر چه وسیع‌تر راجع بشون حرف زد و افشاشون کرد ولی فعلا خود زندگی زده تو سرشون و اون‌ها در این فاصله یک سال واقعا چهره‌ای از خودشون نشون دادند که دیگه کسی، خیلی کمتر کسی حتی در ایران زیر سانسور جمهوری اسلامی گرایشی به چنین شکل حکومتی از خودش نشان بدهد. این چهارچوبه بحث امروز بود که امیدوارم که به هر حال کمکی بوده باشه به شناخت هر چه بیشتر خیزش ۱۴۰۱ که با خودش پرسش هائی هم به وجود آورد که به آنها پاسخ داده شد. به هر حال شاد و تندرست باشید. به امید پیروزی مردم تحت ستم ایران و قدرت‌گیری کارگران و ستمدیدگان.